

شخصیت و شخصیت پردازي در حدیقه سنایی



✽ حجت‌الله عباسی،
دانشجوی کارشناسی ارشد
زبان و ادبیات فارسی در
دانشگاه تربیت مدرس

آموزش زبان
و ادب فارسی

دوره بیست و
شماره ۳
بهار ۱۳۸۶

چکیده:

نویسنده در این مقاله با تحلیل ویژگی شخصیت‌ها در حکایات حدیقه الحقیقه، از جمله بویایی و امسالی طبقات و تیب‌ها، تعداد کاربردها، شناختگی و ناشناختگی و... نحوه شخصیت‌پردازي سنایی را در این مثنوی، همراه با جدول و آمار، بررسی کرده است.

خواه از منظر مطالعات روانی و اجتماعی- می‌تواند جنبه‌های تازه‌ای را از اثر ادبی و هم‌چنین زندگانی و شخصیت‌خالق اثر به دست دهد.

در مقاله‌ی حاضر کوشش شده است با توجه به نارسایی‌های تطبیق معیارهای داستان‌نویسی بر قصه‌ها و حکایات قدیم فارسی، عنصر شخصیت و نحوه‌ی شخصیت‌پردازي در حدیقه الحقیقه‌ی سنایی، بررسی و تحلیل شود. از آن‌جا که عنصر شخصیت در کنار دیگر عناصر داستان مفهوم می‌یابد، ابتدا به صورت گذرا به شیوه‌ی داستان‌پردازي سنایی در حدیقه الحقیقه اشاره می‌کنیم.

و اجتماعی اوست. بی‌شک آن‌چه را امروزه «داستان» و «رمان» می‌نامیم، شکل تکامل یافته و پیچیده‌ی همان نگرش‌ها و دیدگاه‌های انسان کهن است. این پیچیدگی و تکامل نتیجه‌ی گسترش دامنه‌ی دید بشر در گذر زمان بوده، که در حیظه‌ی داستان‌سرایی با ظهور عناصر جدید در داستان، نمود یافته است. مطالعه و بررسی این عناصر- خواه از دید مطالعات ادبی و

شخصیت‌پردازي، حدیقه الحقیقه عناصر داستان

مقدمه

داستان‌سرایی هم‌زاد زندگی فکری بشر است و در طول قرون و اعصار، نماینده‌ی نوع نگرش و جهان‌بینی و دیدگاه‌های فردی

شیوهی استخدام عناصر داستانی در حدیقه الحقیقه

در نگاهی کلی می توان گفت شیوهی به کارگیری عناصر داستان در حکایات حدیقه کم و بیش متأثر از شیوهی قصه ها و حکایات قدیم فارسی است. از این رو، درون مایه در جریان داستان تکوین و گسترش نمی یابد؛ زیرا تعلیمی بودن حدیقه که تنها به پند و اندرز می اندیشد، نیز کوتاهی و کم مجالی حکایات، چنین اجازه ای به نویسنده نمی دهند. عنصر «گفت و گو» به سبک قصه های کهن پرداخته شده است و شخصیت ها یکسان سخن می گویند؛ مثلاً در حکایت زن دادخواه با سلطان محمود، پیرزن همسان با سلطان سخن می گوید:

آن زن او را جواب داد درشت

که به دندان گرفت از او انگشت

(حدیقه، ص ۵۴۵)

دیگر آن که شخصیت های حکایات، مانند آن چه در قصه ها می بینیم، ایستا و بی تحرک اند.

در مقابل، تفاوت هایی نیز در شیوهی داستان پردازی این حکایات دیده می شود که آن ها را از قصه ها و رمانس های قدیم، مانند سمک عیار، متمایز می کند؛ مثلاً عنصر حقیقت ماندندی در حکایات حدیقه به واسطه ی به کارگیری زمان و مکان مشخص، بسیار قوی تر از قصه هاست؛ از اغراق ها و خرق عادات مرسوم در قصه ها و رمانس ها در این حکایات خبری نیست و هم چنین میان حوادث حکایات، رابطه ی علی- معلولی برقرار است (ادبیات داستانی، صص ۱۶۸ و ۲۷).

شخصیت و شخصیت پردازی در حدیقه الحقیقه

عناصر شخصیت را در ادبیات انسانی، باید پایه ای دانست که ساختمان اثر ادبی بر

آن بنا می شود. ناگفته پیداست که هر چه این پایه مستحکم تر باشد، بنا نیز دیرپاتر خواهد بود. از این رو، میزان دوام و نفوذ هر اثر ادبی بسته به نحوه و عمق پردازش عنصر شخصیت در حکایات و داستان هاست. در حکایات حدیقه با نحوه ی شخصیت پردازی قصه های قدیم فارسی مواجه هستیم و شاید یکی از عللی که حدیقه نتوانست به جایگاه و نفوذی در حد یک شاهکار ادبی دست یابد، همین عامل ضعف در شخصیت پردازی باشد. زبان درباری و علمایی ای که سنایی برای بیان این حکایات برگزیده است نیز، فضای حکایات را نامأنوس تر می سازد و تنها

عناصر درون مایه و پیام است که دوام ادبی حدیقه را تضمین می کند. در ادامه، ویژگی شخصیت ها و شیوهی پردازش آن ها در حدیقه، همراه با آمار، ارائه می شود.

شخصیت های حدیقه

در حدیقه الحقیقه، حدود ۲۱۹ شخصیت ایفای نقش می کنند که در این میان، ۹۸ شخصیت شناخته شده و مشخص و در مقابل، ۱۲۱ شخصیت ناشناخته و بی ذکر نام هستند. در جدول زیر تیپ ها و شخصیت های حدیقه الحقیقه و ترتیب آن ها نشان داده شده است:

شخصیت	تعداد	نوع	تعداد	نوع
یادشمار و حافظ	۲۸	شخصیت	۲۸	شخصیت
سلیمان، اوزیروان (۲ بار)، اسکندر، ابوبکر، عمر (۲ بار)، معاریه (۳ بار)، علی (۵ بار)، هاشم، مازوت (۲ بار)، امین بن مأمون، سلطان منصور (۲ بار)، سلطان محمود	۲۸	شخصیت	۲۸	شخصیت
عمر و عاصی (۲ بار)، عبدالله عمر (۲ بار)، مجنون	۷	شخصیت	۷	شخصیت
ابوبکر، جیحی برهنگی، ابوالحسن همدانی	۷	شخصیت	۷	شخصیت
نوح، ابراهیم، موسی (۲ بار)، سلیمان، عیسی (۲ بار)، یحیی (۲ بار)، یونس (۲ بار)	۱۲	شخصیت	۱۲	شخصیت
لنسان (۲ بار)، یسرا، عمار، یاسر، جعفر طیار، جعفر صادق (۲ بار)، ابوحنیفه (۲ بار)، اخنوخیم، حامد شافق، جیحی، بهارن، قیس عاصم	۱۲	شخصیت	۱۲	شخصیت
حنیده، شمس (۲ بار)، یازدین، یوشحبت ابی، یوشحبت لوزی، شیخ کرکانی، ابوالمنصور	۸	شخصیت	۸	شخصیت
سائب، اشم، حسن زاده، یوزکر قهستانی	۵	شخصیت	۵	شخصیت
	۵	شخصیت	۵	شخصیت
	۱۸	شخصیت	۱۸	شخصیت
	۱۱	شخصیت	۱۱	شخصیت
شاعر، پزشک، منجم، قاضی، کشاپور، واعظ، جراحی، پنهان، ساحر و...	۲۹	شخصیت	۲۹	شخصیت
مجنون، رایلی	۲	شخصیت	۲	شخصیت
عزرائیل (۳ بار)، سلطان و ابیس، عزرائیل	۶	شخصیت	۶	شخصیت
حاجت، شهریار، زینب، ایلی، هارون حنک و...	۴	شخصیت	۴	شخصیت
امیر، زوبده، سنگ، پیل، شرف (۳ بار)، مرغ (۲ بار)، داغ، بلبل، موش و ازدها	۱۳	شخصیت	۱۳	شخصیت
نسی کل، اعمار	۲	شخصیت	۲	شخصیت
مغزوفه (چوران)، پیر، حوزینان	۲۷	شخصیت	۲۷	شخصیت

عربی	فارسی	عربی	فارسی
عربی	فارسی	عربی	فارسی
عربی	فارسی	عربی	فارسی
عربی	فارسی	عربی	فارسی

تحت تأثیر سخنان وی دگرگون می شود.

قهرمان و ضد قهرمان

در نوع پردازش قهرمان و ضد قهرمان نیز سنایی متأثر از قصه‌ها و حکایات قدیم است؛ زیرا ویژگی مطلق‌گرایی در این حکایات نیز دیده می شود و طبق آن قهرمان حکایات، سفید مطلق و در مقابل، ضد قهرمان آن‌ها سیاه مطلق‌اند و جز در محدود حکایاتی که شخصیت‌های پویا حضور دارند، شخصیت خاکستری شکل نمی‌گیرد و حد وسطی وجود ندارد. در جدول زیر قهرمانان و ضد قهرمانان برخی حکایات معرفی می‌شوند:

ایستایی و پویایی شخصیت‌ها

اغلب شخصیت‌ها در حکایات حدیقه، مانند شخصیت قصه‌ها، ایستا هستند و تنها در حکایاتی که ذکر می‌شود، پویایی و تغییر حال شخصیت رخ می‌دهد: فی حب الدنيا و صفة اهله (ص ۱۳۴) که در آن، زاهد از گفتار دانا متنبه می‌شود و تغییر روش می‌دهد؛ فی الاجتهاد و طلب التقوی (ص ۲۸۸) که طی آن، عبدالله بن رواحه از آیه‌ای که به تازگی نازل شده است، متأثر می‌شود و تغییر حال می‌یابد و در حکایت خون ناحق ریختن مأمون (ص ۵۵۱) مأمون مجذوب شخصیت مادری یحیی می‌گردد و احوالش

تیپ‌ها

در این حکایات، تیپ‌ها از طبقات گوناگون گزینش شده‌اند و از این جهت حدیقه تنوع فراوانی دارد. از میان همه‌ی تیپ‌ها، سنایی به پادشاهان و خلفا توجه بیش‌تری نشان می‌دهد و پس از آن، تیپ علمای دینی و عرفانی طرف توجه اوست، با نقش‌های کمابیش مثبت و در مقابل، نقش‌های منفی را به عوام سپرده است.^۱ این میزان اقبال و توجه، نسبت به تیپ‌ها و طبقات برتر اجتماع نیز، به حکایات سنایی حال و هوای قصه داده است.

سنایی از گزینش شخصیت‌ها، از حیوانات و مفاهیم نیز، غفلت ننموده است؛ چنان‌که در حکایت (اندر حال ادبار)



یکی از شخصیت‌ها (ادب‌ار)، از مقوله‌ی مفاهیم است و حتی قهرمانان برخی حکایات، همگی غیرانسان‌اند؛ مانند مناظره‌ی مرغ و دام صیادی (ص ۷۴۰).

تعداد شخصیت‌ها

حوادث حکایات حدیقه، اغلب میان دو یا سه شخصیت رخ می‌دهد (به ترتیب ۵۳٪ و ۳۲٪) و در برخی حکایات مانند حکایت قیس بن عاصم (ص ۱۲۹)، تعداد شخصیت‌ها به شش نفر هم می‌رسد. کمی شخصیت‌های حکایات نیز از مواردی است که سبک داستان‌سرایی و شخصیت‌پردازی حدیقه به قصه‌ها نزدیک شود؛ نقیصه‌ای که مولوی آن را در مثنوی با افزایش شخصیت‌های فرعی به حکایات، رفع می‌کند (در سایه‌ی آفتاب، صص ۳۱۰ و ۳۱۵).

شناختگی و ناشناختگی قهرمانان

همان‌گونه که ذکر شد، از ۲۱۹ شخصیتی که سنایی در حکایات به کار گرفته است ۹۸ شخصیت، به سبب ذکر نام، شناخته شده‌اند و ۱۲۱ شخصیت ناشناخته و بی‌ذکر نام‌اند. سنایی به‌ویژه آن‌گاه که به‌گزینه‌ی شخصیت‌ها از تیب پادشاهان و خلفا، علما، عرفا و صوفیه اقدام نموده، شخصیت‌ها را معرفی آورده است.

توصیف شخصیت‌ها

در حدیقه، به اقتضای کوتاهی و کلی‌گرایی حکایات، چندان به توصیف و تشریح شخصیت‌ها پرداخته نمی‌شود و سنایی با آن‌که در اغلب حکایات، زاویه‌ی دید سوم شخص را برمی‌گزیند، جز صفاتی کوتاه و مختصر از شخصیت‌های حکایاتش به دست نمی‌دهد؛ مثلاً در حکایت خواجه و زاهد (ص ۶۶۸)،

سنایی، شخص اول داستان را تنها با دو صفت فاضل و پرهیز معرفی می‌کند و بیش از این به تشریح شخصیت وی نمی‌پردازد.

نقش دهی به زنان

سنایی ۷۹ حکایت در حدیقه‌ی حدیقه سروده است که تنها در ۱۱ حکایت به زن نقش داده است؛ اما نقشی اصلی و نه فرعی و سیاهی‌لشکر. این حکایات عبارت‌اند از: زال و کشتزار (ص ۱۰۷)، فی توکل العجوز (ص ۱۱۷)، التمثیل فی التقصیر الصلوة (ص ۱۴۳)، التمثیل فی الاشتیاق الی المشهد المقدس (ص ۲۷۱)، فی اشراق العشق (۳۳۱)، التمثیل فی احتراق العشق (۳۳۲)، فی شأن اصحاب الغفلة (۳۹۸)، حکایت زن دادخواه با سلطان محمود (ص ۵۴۵)، التمثیل فی عصمة قتل المظلوم (ص ۵۵۲) و حکایت زن و پنه‌زن (ص ۷۳۱). برخلاف تصویری که در ادب فارسی به‌ویژه در خود حدیقه‌ی حدیقه از زن، در این حکایات، زنان گاه سلطانی را از خواب غفلت بیدار می‌کنند (حکایت زن دادخواه با سلطان محمود و حکایت مأمون و مادر یحیی برمکی)، گاه با بینشی فراتر و گسترده‌تر از مردان، به آنان درس می‌آموزند و گاه نیز هوسناکی دروغ‌آنان را رسوا می‌کنند (التمثیل فی احتراق العشق).

نتیجه

سنایی در حدیقه‌ی حدیقه، ۷۹ حکایت سروده است که در آن‌ها حدود ۲۱۹ شخصیت، ایفای نقش می‌کنند و اکثر حکایات دو شخصیتی یا سه شخصیتی‌اند. شخصیت‌های این حکایات از همه‌ی تیب‌ها و طبقات برگزیده شده‌اند و برخلاف سنت ادب فارسی، به‌ویژه خود حدیقه‌ی حدیقه، در بازده حکایتی که زن‌ها نقش دارند، نقش آنان اصلی و مثبت است.

سنایی در به‌کارگیری عنصر شخصیت در حکایات حدیقه به شیوه‌ی قصه‌ها و رماتس‌ها عمل می‌کند و بیان شخصیت‌ها متناسب با جایگاه اجتماعی آنان نیست. شخصیت اغلب حکایات ایستا هستند و تکوین و تکامل نمی‌یابند. قهرمان و ضد قهرمان در عمده‌ی حکایات نماینده‌ی خیر و شر محض‌اند. به احوال درونی شخصیت‌ها پرداخته نمی‌شود و اکثر شخص اول‌ها، از تیب پادشاهان و خلفا برگزیده شده‌اند و این خود به ضعف شخصیت‌پردازی در حدیقه انجامیده است و شاید بتوان گفت از عللی که حدیقه‌ی حدیقه، با داشتن درون‌مایه‌ی والا و عمیق، نتوانسته در حد شاهکاری ادبی ظاهر شود، همین ضعف در شیوه‌ی شخصیت‌پردازی حکایات آن بوده است.

پی‌نوشت

۱. می‌توان نوع شخصیت‌گزینی سنایی را با سه ساحت شخصیتی وی تطبیق داد؛ اولویت دادن به تیب پادشاهان و خلفا متناسب با بعد ملذاحی شخصیت سنایی است، توجه فراوان به علمای دینی و عرفا متناسب با بعد شرعی و عرفانی شخصیت او و به‌کارگیری عوام در نقش‌های منفی، متناسب با بعد انتقادی شخصیت او است. برای مطالعه‌ی بیشتر ر. ک. محمدرضا شفیعی کدکنی، تازینه‌های سلوک، چاپ اول، تهران، آگاه، ۱۳۷۲، ص ۲۵
۲. معنود حکایاتی را که زاویه‌ی دید اول شخص دارند می‌توان در صفحات ۳۱۷، ۳۴۶، ۳۶۸، ۴۶۹ و ۶۷۴ جست‌وجو کرد.

منابع

۱. پراپ، ولادمیر؛ ریخت‌شناسی قصه، ترجمه‌ی م. کاشی‌گر، چاپ نخست، تهران، نشر روز، ۱۳۶۸
۲. پورنامداریان، تقی؛ در سایه‌ی آفتاب، چاپ دوم، تهران، سخن، ۱۳۸۰
۳. دقیقیان، شیرین‌دخت؛ منشأ شخصیت در ادبیات داستانی، چاپ اول، تهران، [بی‌نا]، ۱۳۷۱
۴. سنایی، ابومجد مجدودبن آدم؛ حدیقه‌ی حدیقه و شریعة‌ی الطریقه، به کوشش مدرس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸
۵. میرصادقی، جمال؛ ادبیات داستانی، چاپ چهارم، تهران، علمی، ۱۳۸۲